

Examining moral and religious themes and teachings In the poems of Parvin Etsami & Jaleh Ghaemmaqami

Mohammadnaim Sharifi¹

Bachelor's student of Persian Language and Literature, Open University, Al-Mustafa International University of Qom, Qom, Iran

Supervisor: Hamid Akbarpour²

Assistant Professor, Department of Persian Language & Literature, Open University, Al-Mustafa International University of Qom, Qom, Iran

Abstract

Parvin's poem is considered one of the most outstanding examples of contemporary didactic poetry. Parveen Etisami and Jaleh Qaim-Magi are committed women poets who became the source of a deep transformation in the field of women's poetry after the constitutional revolution in Iran. Both were brought up in a rooted and cultured family. He benefited from the rich source of moral teachings and religious culture and used it to enrich his poetic themes. And in this way, they have effectively used Quranic parables and stories and their special charms to make their teachings more effective. In this article, with the in-text method, religious doctrines such as theology and monotheism, verbal and semantic use of the Holy Qur'an and wearing the clothes of piety and moral teachings which can be the essence of themes such as warning against worldliness and condemnation of worldly people, life and the use of its times, Condemnation of the devil, ignorance, pride, hypocrisy and pride; Advising contentment, truth-seeking, tolerance, purity and chastity, etc., as common themes, along with numerous examples and evidence from their poems, we will study the poems of these two poets. Undoubtedly, if it were not for the gentle and artistic works of these women, the field of literature and poetry would be deprived of many of its emotional and beautiful aspects. So far, there has not been an independent and comparative study of the moral and religious themes and teachings in the poetry of Parvin and Jale Qaim Maggi, and this article, in its turn, is new.

Keywords: Parvin Etsami, Jale Qaim-maqami, religious teachings, moral themes, Holy Quran.

¹ Email: mohammadnaimsharifi@gmail.com

² Email: Hamid.akbarpour1397@gmail.com

بررسی مضامین و آموزه‌های اخلاقی و دینی در اشعار پروین اعتصامی و ژاله قائم‌مقامی

محمدنعیم شریفی^۱

دانشجوی کارشناسی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مجازی، جامعه المصطفی العالمیه قم، قم، ایران

استاد ناظر: حمید اکبرپور^۲

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مجازی، جامعه المصطفی العالمیه قم، قم، ایران

چکیده

شعر پروین از برجسته‌ترین نمونه‌های شعر تعلیمی معاصر محسوب می‌شود. پروین اعتصامی و ژاله قائم‌مقامی از زنان شاعر متعهدی هستند که پس از انقلاب مشروطه در ایران منشأ تحولی عمیق در زمینه شعر زن شدند. هر دو تربیت یافته خانواده ریشه‌دار و فرهنگی بودند. از سرچشمه غنی آموزه‌های اخلاقی و فرهنگ دینی، بهره‌های فراوان برده و از آن در جهت باروری مضامین شعری خود استفاده کرده؛ و در این مسیر برای تأثیر بیشتر آموزه‌های خود از تمثیلات و داستان‌های قرآنی و جذابیت‌های خاص آن به نحو احسن استفاده کرده‌اند. در این مقاله با روش درون‌متنی، آموزه‌هایی دینی همچون، خداشناسی و توحید، بهره‌گیری لفظی و معنایی از قرآن کریم و پوشیدن لباس تقوا و آموزه‌های اخلاقی که جان‌مایه آن می‌تواند مضامینی همچون، تحذیر از دنیاداری و نکوهش دنیاداران، عمر و استفاده از اوقات آن، نکوهش اهریمن، جهل، غرور، ریا و آز؛ توصیه به قناعت، حقیقت‌جویی، بردباری، پاکی و عفت و... به عنوان درونمایه‌های مشترک، همراه با ذکر مثال‌ها و شواهد متعددی از میان اشعار آن‌ها، به

1 Email: mohammadnaimsharifi@gmail.com

2 Email: Hamid.akbarpour^{۱۳۹۷}@gmail.com

بررسی مضامین و آموزه‌های اخلاقی و دینی در اشعار پروین اعتصامی و ژاله قائم‌مقامی / ۱۳۷

مطالعه تطبیقی اشعار این دو شاعر خواهیم پرداخت. بدون شک اگر آثار لطیف و هنرمندانه این زنان نمی‌بود، عرصه ادبیات و شعر از بسیاری جوانب عاطفی و زیبای خود محروم می‌شد. تاکنون پژوهشی مستقل و تطبیقی از بررسی مضامین و آموزه‌های اخلاقی و دینی در شعر پروین و ژاله قائم‌مقامی صورت نگرفته و این مقاله به نوبه خود بکر است.

کلیدواژه‌ها: پروین اعتصامی، ژاله قائم‌مقامی، آموزه‌های دینی، مضامین اخلاقی، قرآن کریم.

۱. مقدمه

شعر معاصر ایران، ریشه در مشروطه و سالیانی پیش از آن دارد. با پذیرش انقلاب مشروطه به عنوان آغاز عصر بیداری در ایران، باید این نکته را پذیرفت که شعر فارسی در طول صد سال گذشته یعنی، از حدود انقلاب مشروطه (۱۲۸۵ه.ش/ ۱۳۲۴ه.ق) تا به امروز از نظر صورت، ساختار و محتوا، تحولات بدیع و بی‌سابقه‌ای را پشت سر گذاشته است. این مرحله مسبوق به تغییری بود که از چندی پیش در همه شئون اجتماعی روی داد و دستاورد نهضتی سیاسی-اجتماعی در اثر بیداری جامعه ایرانی بود. ادبیات هم مانند دیگر مظاهر اندیشه و فرهنگ به مردم روی آورد و انعکاس ارزش‌های دینی و اخلاقی را وجهه همّت خود قرار داد. با آغاز عصر بیداری شاعرانی در عرصه شعر و ادب ظهور یافتند که اکثریت آنان را مردها و درصد کمی را زنان تشکیل می‌دادند. از بین این شاعران زن، دو تن را می‌توان نام برد، پروین اعتصامی و ژاله قائم‌مقامی.

پروین چند ماهی پس از انقلاب مشروطه سال (۱۲۸۵ه.ش) به دنیا می‌آید و در عمری ناکام و ناتمام که در اختناق حکومت رضا شاهی به پایان می‌رسد، بی‌اعتنا به گرایش‌های پیدا و ناپیدای نو در شعر، تمام ذوقش را در پروراندن مضامین اخلاقی، عرفانی و آموزه‌های دینی در قالب‌های کهن به کار می‌گیرد.

در شعر فارسی معاصر وقتی از زنان شاعر سخن می‌رود پیش از همه از پروین اعتصامی یاد می‌شود و در نسل جدید و نوگرایان از فروغ فرخزاد. اما شاعره‌ای لطیف طبع و هنرمند نیز در این عصر می‌زیسته که اشعاری پرطراوت و دل انگیز سرورده ولی به اندازه استحقاق خویش شناخته نشده است. این بانوی سخنور عالمتاج قائم مقامی است متخلص به «ژاله» که تا چند سال پیش اهل شعر و ادب از آثار طبع او بی‌خبر مانده بودند، «لیکن همان اشعار کمی که از وی باقی مانده نمودار قریحه‌ای است تابناک و فطرتی شاعرانه و حسّاس و هنری شگفت انگیز. در هر حال شعر ژاله نموداری است از عوالم انسان، آرزوها، عواطف، رنج‌ها، و یأس‌های او و به همین سبب شناختنی است.» (یوسفی، ۱۳۷۳: ۴۲۵) هر دو شاعر در شرایط تا حدودی مشترک به سر می‌برند، که در آن زنان از حضور در میادین ادبی و اجتماعی محروم بودند. «در ایران دوره مشروطه، در کنار این محرومیت عمومی زنان از شرکت در فعالیت‌های اجتماعی، شرایط فرهنگی و اجتماعی نیز مانع بروز خلاقیت ادبی زن ایرانی می‌شد و او را از رشد طبیعی محروم می‌کرد.» (دهباشی، ۱۳۸۳: ۸۷۰) شاید یکی، دو دهه فاصله زیادی نباشد که بتوان در آن تفاوت چندانی در اثر دو نفر دید. پروین و ژاله در جامعه سنتی آن روز ایران بالیده‌اند و به شهرت رسیدند.

همبستگی با انسان و انسانیت سرتاسر اشعار پروین و ژاله را می‌آراید و آن دو را چنین معرفی می‌کند: شاعرانی هستند که مصالح خود را در گیرودار مصائب بشریت از یاد برده و برای برگرفتن این مصائب از دوش دیگران پشت خم کرده‌اند. در هیچ‌جای سروده‌هایشان "من" "گوینده" چهره نمی‌نمایاند، هر جا خواسته‌اند سخن از خود بگویند، دردمندتر از خودی یافته و به آن پرداخته‌اند. «این همه اندیشه منظم و اخلاق گرا و این همه احساس همدردی با ناتوانان و درماندگان و این همه لطف‌اندیشی و محبت کیشی، شیوه کار آنان را از دیگر وابستگان به سنت‌های قدیم مشخص و ممتاز می‌سازد، به خصوص که سرگردانی و تشّت پاره‌ای از معاصرانشان در کار آن‌ها راه ندارد.» (زرین کوب، ۱۳۶۵: ۳۲)

۱-۱. هدف و ضرورت انجام پژوهش

این پژوهش با بررسی و تحلیل اشعار دو بانوی شاعر، پروین اعتصامی و ژاله قائم‌مقامی، شعر آن دو را در حیطه معنا و مضمون مورد مطالعه قرار می‌دهد، و به برشمردن مشابهت‌های دو شاعر در این زمینه می‌پردازد. افق‌های مشترک شعر و اندیشه این دو سراینده، با نگاهی به درونمایه‌های مشترک و گاه متفاوت اشعار ایشان و با ذکر نمونه‌هایی از شعر هر یک، بیان می‌کند که دو شاعر تقریباً در یک برهه زمانی و با بی‌خبری از وجود یکدیگر، می‌توانند از مشابهت‌های گوناگون برخوردار باشند. البته چنین تحلیلی، بر بنیان رویکرد آمریکایی استوار است؛ «این مکتب برخلاف فرانسه، بر آن عقیده است که برای تطبیق دو اثر ادبی، نیازی به تقارن تاریخی میان آن دو نیست؛ بدین مفهوم که بدون اینکه مبادله‌ای میان دو اثر صورت گرفته باشد، و یا اینکه ارتباطی میان دو نویسنده برقرار شده باشد نیز می‌توان به تطبیق دو اثر ادبی پرداخت.» (کفافی، ۱۳۸۲: ۱۴)

بدون شک اگر آثار لطیف و هنرمندانه این زنان نمی‌بود، عرصه ادبیات و شعر از بسیاری جوانب عاطفی و زیبای خود محروم می‌شد. درباره شعر ژاله قائم‌مقامی، مطالعات و بررسی‌های چندانی صورت نگرفته و تنها در برخی از کتاب‌های تاریخ ادبیات معاصر از جمله چشمه روشن از غلامحسین یوسفی و مقاله‌های کوتاه و پراکنده، تا حدودی به زندگی و شخصیت ادبی او پرداخته شده است. اما برخلاف ژاله، مقالات، کتاب‌ها و پژوهش‌های فراوانی در مورد پروین اعتصامی نوشته شده، که به بررسی جوانب مختلف شعری او پرداخته‌اند؛ بر همین اساس تاکنون پژوهشی مستقل و تطبیقی از بررسی مضامین و آموزه‌های اخلاقی و دینی در شعر پروین و ژاله قائم‌مقامی صورت نگرفته و این مقاله به نوبه خود بکر است.

۱-۲. روش انجام پژوهش

در این مقاله با روش درون متنی، آموزه‌هایی دینی همچون، بهره‌گیری لفظی و معنایی از قرآن کریم و پوشیدن لباس تقوا و آموزه‌های اخلاقی که جان‌مایه آن می‌تواند مضامینی همچون، تحذیر از دنیاداری و نکوهش دنیاداران، عمر و استفاده از اوقات آن، نکوهش اهریمن، جهل، غرور، ریا و آز؛ توصیه به قناعت، حقیقت‌جویی، بردباری، پاکی و عفت و... به عنوان درونمایه‌های مشترک، همراه با ذکر مثال‌ها و شواهد متعددی از میان اشعار آن‌ها، به مطالعه تطبیقی اشعار این دو شاعر خواهیم پرداخت.

۲. بحث و بررسی

۱-۲. نگاهی به زندگی پروین اعتصامی

اختر چرخ ادب، و بانوی سخن‌سرای شعر معاصر ایران، رخشنده اعتصامی، در سال ۱۲۸۵ در تبریز به دنیا آمد. پدرش تخلص "پروین" را برای او برگزید. «پدر پروین، میرزا یوسف آشتیانی، ملقب به اعتصام الملک، به دلیل تسلط بر زبان ترکی و فارسی، از نویسندگان و مترجمان مشهور زمان خود بود. همچنین مدیریت مجله ادبی "بهار" را نیز بر عهده داشت.» (آرین پور، ۱۳۷۶، ج ۲: ۵۳۹) پروین چهار برادر داشت که همگی آن‌ها از ادیبان و علمای آن زمان بودند. پروین در آغاز زندگی خود، به مطالعه و تحقیق مشغول شد و در یازده سالگی، با فردوسی، نظامی، ناصر خسرو و دیگر شاعران ایرانی آشنا گردید. ادبیات فارسی و انگلیسی را در مدرسه آمریکایی آن زمان فرا گرفت و حتی به تدریس نیز پرداخت. «او در ازدواج شکست خورد، ولی موضوع شخصی را ناچیزتر از آن شمرد که با پرداختن به آن، از مصالح عمومی و منافع و مسائل اجتماعی غافل بماند.» (ترابی، ۱۳۸۵: ۲۳۴) عمر کوتاهی داشت و در سال ۱۳۲۰ در سن سی و پنج سالگی، در اثر ابتلاء به بیماری حصبه درگذشت و در آرامگاه خانوادگی‌اش در شهر قم به خاک سپرده شد.

۲-۲. نگاهی به زندگی ژاله قائم‌مقامی

عالم‌تاج^۱ قائم‌مقامی، متخلص به ژاله (۱۲۶۲-۱۳۲۵ ش) در خاندانی خوش‌نام و فراخ‌زیست به دنیا آمد. پدرش میرزا فتح‌الله بود و مادرش مریم خانم (دختر معین‌الملک). ژاله را از پنج سالگی به دست استاد سپردند تا ادب و دانش معمول آن روزگار را بیاموزد^۲ و او به سبب هوشمندی بسیار، در اندک زمانی ادب فارسی و عربی را به خوبی آموخت و در دیگر عرصه‌های علم و دانش پیشرفت بسزا کرد. طرز سخن و سلیقه شعری ژاله پیروی سبک مظنن و باشکوه خراسانی است و زبان او زبان قصیده به تمام معنی کلمه است. «در خلال اشعارش اشاراتی دارد به آموخته‌ها و مطالعاتش. بعلاوه تأثر او از سبک شعر پیشینیان مانند منوچهری، ناصرخسرو، خاقانی و مولوی و یا تضمین شعر آنان و نیز درج آیات قرآن کریم در شعرش همه حکایت دارد از غور او در کتب و مایه‌اش از فرهنگ و ادب ایران. ژاله هنوز شانزده سال نداشت که حادثه‌ای مهم در زندگی او روی داد و آن ازدواج با مردی چهل و چندساله و نسبتاً بی‌سواد بود به نام علی مرادخان میرپنج از رؤسای خوانین بختیاری، سفرکرده و درشت اندام و شجاع و اهل جنگ، اما از ذوق و ادب بیگانه.» (یوسفی، ۱۳۷۳: ۴۲۷) از نخستین سال تولد فرزند، اختلاف ژاله و همسرش آغاز شد و کم‌کم افزونی گرفت تا از هم جدا شدند.

من کیم؟ وهم‌آشنایی اندرین تنگ‌آشیان خیمه از دوران و از امکان خود برتر زده

گوهرم من، گوهری گم‌گشته در خاک سیاه آتشم من، آتشی سوزان و خاکستر زده

(قائم‌مقامی، ۱۳۷۴: ۶۳)

۱ در یکی از قطعاتش می‌گوید:

«تاج عالم گر منم بی‌گفت‌وگوی خاک عالم بر سر عالم کنید»

۲ «مکتب نشین شدم من و ادوار عمر من کمتر ز پنج بود، ولی بیشتر نبود

(قائم‌مقامی، مقدمه، ۱۳۷۴: ۶)

و به سبب قوانین آن دوران از دیدار فرزند محروم می‌شود و در آن روزان و شبان تنهایی، یگانه همدم و همراهش شعر است و از این راه است که با سماء و آینه و دستگاه فرّمو و مانند این‌ها دردل می‌کند. صراحت ژاله در بیان احوال و روحیات و نیازهای روحی و سلیقه زن چشم گیرست و در زمان او کم‌نظیر. اما این صراحت، گستاخانه و بی‌آزم نیست بلکه در همه‌جا تکیه او بر لزوم پاکدامنی زن است و تقوای اخلاقی او.

۳. بررسی و تحلیل مضامین و آموزه‌های دینی

یکی از خصوصیات بارز اشعار و سروده‌های پروین و ژاله، بهره‌گیری از آیات کریمه و نورانی قرآنی است که بر حشمت و شکوه سروده‌های آنان دو چندان افزوده است.

۳-۱. بهره‌گیری از آیات قرآنی

میزان اشارات قرآنی در شعر معاصر نسبت به دوره‌های پیشین ادب فارسی کمتر است. با این وجود تجلّی معانی و مفاهیم آیات قرآن در شعر پروین اعتصامی نسبتاً گسترده و قابل توجه است. ذکر این نکته بایسته است که پروین در شعر خود هیچ‌گاه از متن آیات قرآن استفاده نکرده و تعداد کلمات عربی شعر وی بسیار اندک است. اشارات قرآنی موجود در شعر پروین از سه بُعد قابل بررسی است: اشارات مستقیم-اشارات غیرمستقیم-تلمیح به سرگذشت انبیاء الهی.^۱

لقبی که علامه قزوینی با آن لقب، پروین را ستوده است، "خنساء عصر و رابعه دهر" واقعاً شایسته اوست.

الف) اشارات مستقیم:

ما چورفتیم گل دیگر هست ذات حق بی خلل و بی همتاست

^۱ بیشترین تلمیح در مورد سرگذشت انبیاء الهی در شعر پروین مربوط به داستان حضرت سلیمان (ع) است.

بررسی مضامین و آموزه‌های اخلاقی و دینی در اشعار پروین اعتصامی و زاله قائم‌مقامی / ۱۴۳

(دیوان، به کوشش احمدی‌گیوی، ۱۳۸۱: ۶۵)

«لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ»: چیزی مانند او نیست. (شوری/۱۱)

«وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ»: و او را هیچ همتایی نباشد. (اخلاص/۴)

بسی مجاهده کردیم در طریق نفاق ببین چه بیهده تفسیر «جاهدوا» کردیم

(دیوان، ۱۳۷۱: ۱۶۰)

«وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا»: و کسانی که در راه ما کوشیده اند به یقین راه‌های خود را بر آنان می‌نماییم.

(عنکبوت/۶۹)

ب) اشارات غیرمستقیم:

جهد کن تا خرد و فکرت و رای‌ی هست آنچه دادند بگیرند ز ما یکسر

(دیوان، ۱۳۷۱: ۱۴۵)

«مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ»: آنچه پیش شماست تمام می‌شود و آنچه پیش خداست پایدار

است. (نحل/۹۶)

بد مکن که اکنون شریک من است پس از مرگ هم مرده ریگ من است

(دیوان، ۱۳۷۱: ۱۳۹)

«وَكُلَّ إِنسَانٍ الزَّمَنَاءُ طَائِرُهُ فِي عُنُقِهِ»: و کارنامه هر انسانی را به گردن او بسته ایم. (اسراء/۱۳)

ج) تلمیح به سرگذشت انبیاء الهی:

هر رهنمود را نبود پای راه شوق هر دست، دست موسی عمران نشود

(دیوان، ۱۳۷۱: ۱۶۸)

«وَاضْمُمْ يَدَكَ إِلَى جَنَاحِكَ تَخْرُجَ بَيْضًا مِنْ غَيْرِ سَوْءٍ آيَةٍ أُخْرَى»: و دست خود را به پهلویت ببر، سپید

بی گزند برمی آید، {این} معجزه‌ای دیگر است. (طه/۲۲)

در ملک سلیمان چرا شب و روز دیوت به سر سفره میهمان است

(دیوان، ۱۳۷۱: ۸۰)

«وَمِنَ الْجِنَّ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ»:

برخی از جن به فرمان پروردگارش پیش او {سلیمان} کار می‌کردند. (سبأ/۱۲)

"ژاله" بر اندام عالی‌ترین مضامین، بکرترین مفاهیم و عمیق‌ترین موضوعات شعری، زیباترین لباس و موزون‌ترین جامه‌ها را پوشانیده و عرایس ابکار طبع موزون خویش را با رعنائی و طنازی تمام به جلوه و خرام در آورده است. کلامش با الفاظ و عبارات فخیم و فاخر آراسته و شعرش از هرگونه حشو و زائدی پیراسته است. «عالم‌تاج حساس‌ترین مطالب و موضوعات عشقی و اجتماعی و گاهی فلسفی و

بررسی مضامین و آموزه‌های اخلاقی و دینی در اشعار پروین اعتصامی و ژاله قائم مقامی / ۱۴۵

عرفانی را در قالبی فصیح و سلیس پرورانده و سیلابه روح و روان آزرده و رنجور را گاه با کنایه و استعاره و گاه با صراحت و بی‌پروایی، آن‌گونه که شاید و باید بر ورق رانده است.» (فرخزاد، ۱۳۷۴: ۲۸)

رنجی که من از دوری فرزند کشم یعقوب از آن حال خبر دارد و بس

(قائم مقامی، ۱۳۷۴: ۱۵۴)

مرد باشد زانی و زن زانیه وین سخن برهان نخواهد، روشن است

لیک این مأخوذ و آن ناجی چراست^۱ یک گنه مر هر دورا بر گردن است

(قائم مقامی، ۱۳۷۴: ۱۴۰)

(الرَّانِيهِ وَالرَّانِي فَاجْلِدْ وَاكُلْ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيَشْهَدَ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ) (سوره نور/۲)

شاعر در قصیده ای که آزادی زنان را پیشگویی کرده، به حضرت موسی (ع)، حضرت آدم (ع) و حضرت محمد (ص)، نظر داشته است:

خیز ای موسی و چشم تیزبین را باز کن که آتشی نو سرکشید از سینه سینای من

کهنه شد افسانه‌ات ای «آدم» آخر گوش کن داستانی تازه می خواند تو را حوای من

گر بخوانم قصه گویی دعوی پیغمبری است ز آنچه در آینه بیند دیده بینای من

(قائم مقامی، ۱۳۷۴: ۸۲)

^۱ ناظر به این بیت شیخ اجل شیراز است:

گنه نبود و عبادت نبود بر سر خلق نوشته بود که این ناجی است و آن مأخوذ»

ژاله در قصیده‌ای که پس از مرگ شوهرش سروده، این گونه نگاشته است:

سلیمان فرستاده بر دوش دیوان یکی تخت و بگرفته بلقیس وارم

(قائم مقامی، ۱۳۷۴: ۶۳)

۴. مضامین و آموزه‌های اخلاقی

گسترده‌ترین و مهم‌ترین بحث در دیوان پروین و اشعار ژاله اخلاق و مسائل اخلاقی است. اخلاق به دو صورت مورد بررسی قرار می‌گیرد: علم اخلاق و فلسفه اخلاق.

علم اخلاق به کشف و بررسی صفات اخلاقی بر اساس ملاک و معیاری که پذیرفته شده است و فلسفه اخلاق به ملاک و معیار اخلاقی بودن یک فعل و نظرهای متعددی که درباره آن فعل وجود دارد می‌پردازد: به طور کلی اخلاق از بایدها و نبایدها بحث می‌کند.

تفاوت کار اخلاقی با کار طبیعی در این است که کار اخلاقی در وجدان هر بشری دارای ارزش است و ارزش آن از نوع ارزش‌های مادی نیست، بلکه در ذهن و وجدان بشر دارای ارزش و قیمت است. پروین اعتصامی شاعر اخلاق و به عبارت بهتر معلم اخلاق است. دیوان او از ابتدا تا انتها پی‌ریزی مدینه فاضله و سروده‌های وی بیان بایدها و نبایدهای اخلاقی است؛ اما بایدها و عمل به صفات مطلوب بیشتر از نبایدها تأکید شده و به همین سبب، دیوان شاعر در زمره اشعار تعلیمی قرار گرفته است. مهم‌ترین مضامین اخلاقی در شعر این دو شاعر، تحذیر از دنیاداری و نکوهش دنیاداران، عمر و استفاده از اوقات آن، کار و پرهیز از کاهلی است.

«ژاله مضایق و مشکلات زندگی و مباحث و مسائل حکمی و اخلاقی را مانند حکیمی روشن روان و معلمی نکته‌دان تجزیه و تحلیل می‌نماید. سایه‌روشن‌های حیات اجتماعی را با خامه‌ای موشکاف از هم می‌شکافد و زوایای تاریک و مجهول روان آدمی به ویژه زنان را کنجکاوانه کشف و تشریح می‌کند.» (فرخزاد، ۱۳۷۴: ۳۰)

بررسی مضامین و آموزه‌های اخلاقی و دینی در اشعار پروین اعتصامی و ژاله قائم‌مقامی / ۱۴۷

۴-۱. تحذیر از دنیا‌داری و نکوهش دنیا‌داران:

دنیا و تعلق خاطر به آن همیشه از نظر اخلاقی مورد نکوهش قرار گرفته است.

رهانیت باید، رها کن جهان را	نگهدار ز آلودگی پاک جان را
گذشتگه است این سرای سپنجی	برو باز جو دولت جاودان را
(اعتصامی، قصیده‌رهانیت، ۱۳۷۱)	

دهر گرگی است گرسنه، رخ از او بگیر	چرخ دیوی است سیه دل، دل از او بستان
تکیه بر اختر فیروزه مکن چندین	ایمن از فتنه ایام مشو چندان
(اعتصامی، قصیده‌حاصل عمر، ۱۳۷۱)	

زندگانی چیست؟ نقشی با خیال آمیخته	راحتی با رنج و شوری با ملال آمیخته
نیش و نوشش، جمله در کین و حسد بگداخته	زَر و مالش، جمله با وزر و وبال آمیخته
(قائم‌مقامی، ۱۳۷۴: ۳۱)	

۴-۲. عمر و استفاده از اوقات آن:

استفاد از وقت و غنیمت شمردن آن، بهره از جوانی و نهی از غفلت مواردی است مورد تأکید هر کسی به خصوص معلمان اخلاق، عرفا و صوفیه، ادبا، فلاسفه، علما و... و همه بر گذر بی بازگشت وقت تأکید دارند، این مورد یکی از درونمایه‌ها و مضامینی است که اشعار زیادی را در دیوان پروین و ژاله به خود اختصاص داده است:

گهر وقت بدین خیرگی از دست مده آخر این درّ گرانمایه، بهایی دارد
صرف باطل نکند عمر گرامی، پروین آنکه چون پیر خرد راهنمایی دارد
(اعتصامی، غزل نکته‌ای چند، ۱۳۷۱)
جهد را بسیار کن عمر اندکی است کار را نیکو گزین فرصت یکی است
کاردانان چو رفو آموختند پاره‌های وقت بر هم دوختند
(اعتصامی، مثنوی رفوی وقت، ۱۳۷۱)

آموختم به کوشش و اندوختم به جهد بس دانشی که بر شجرش برگ و بر نبود
در پارسی ادیب و به تازی ادب شناس گشتم که جز گزینش علمم به سر نبود
رمل آشنا و خواب گزارنده، الغرض علمی نبود که طبعم از آن بهره ور نبود
(قائم مقامی، ۱۳۷۴: ۱۳۲)

جهان شناسی اندیشه دو شاعر به گواهی همین ابیاتی که در بالا ذکر شده است و ابیات دیگری که در همین مقاله آمده است، قابل فهم و پیگیری است. در جهان شناسی اندیشه پروین، انسان‌ها به طور عام مخاطب واقع می‌شوند تا قدر عمر گرانمایه خود را بدانند و آن را در راه بیهودگی صرف نکنند. اما در جهان اندیشه ژاله، از آن نگاه بلند پروین خبری نیست. درست است که ژاله هم به نحوی سخن از بهره‌وری عمر دارد ولی او تنها به بهره‌وری خود از عمر در راه کسب علم و دانایی اشاره دارد.

بررسی مضامین و آموزه‌های اخلاقی و دینی در اشعار پروین اعتصامی و ژاله قائم‌مقامی / ۱۴۹

سفارش به کار و کوشش و پرهیز از کاهلی همواره مورد توجه هر انسان و جامعه‌ای بوده است. شاعران همواره در آثار خود تشویق به کار و تلاش کرده و آن را یک امر لازم دانسته‌اند. پروین و ژاله مانند حکیمانی خرد ورز و راز آشنا به یکی از آسیب‌های مخرب و بنیان کن نظام خانواده و اجتماع، یعنی فقر ناشی از تنبلی، به درستی پی برده و با بیاناتی استادانه و هنرمندانه در صدد تبیین این آسیب و زدودن آن از جامعه هستند.

قوی پنجه‌ای، تیشه محکم بزن	هنرمند مردم سبکبار نیست
به جایی که بار است بر پشت مور	برای تو این بار بسیار نیست
نشاید که بیکار مانیم ما	چو یک قطره و ذره بیکار نیست

(اعتصامی، قطعه سروده خارکن، ۱۳۷۱)

مزدور خفته را ندهد مزد هیچکس	میدان همت است جهان، خوابگاه نیست
------------------------------	----------------------------------

(اعتصامی، قطعه شکایت پیرزن، ۱۳۷۱)

زندگی باخورد و خواب آمیخته‌ست ای جانولی	پای تا سر زندگی موقوف خواب و خورد
	نیست

دست‌وپایی، همتی، شوری، قیامی، کوششی	شهره‌ستی، جان من، جز عرصه نآورد نیست
-------------------------------------	--------------------------------------

(قائم‌مقامی، ۱۳۷۴: ۳۵)

۴-۴. پرهیز از صفات مذموم و ناپسند

۴-۴-۱. نکوهش جهل

ز آتش جهل سوخت خرمن ما گنه برق و آفتاب نبود
جهل پای تو بیندد چو بیابد دست فرصت هست مده فرصت جولانش
(قصیده شیفته گیتی، ۱۳۷۱)

گر تو تقوی را هنر دانی زهی غفلت که تقوی جز وظیفست نیست انسان را، مگر جاهل نشیند
(قائم مقامی، ۱۳۷۴: ۱۱۲)

۴-۴-۲. نکوهش آز

از پیی کـاروان آز مـرو که در این ره، به هر قدم چاهی است
(اعتصامی، قطعه راه دل، ۱۳۷۱)

طمع، دیو است با وی پرنیایی چو خوردی باز فردا ناشتایی
دچار زحمتی تا صید آزی اگر زین دام رستی بی نیازی
(اعتصامی، مثنوی روباه نفس، ۱۳۷۱)

۴-۴-۳. نکوهش خودرایی و خودپسندی

هوای نفس چو دیویست تیره دل پروین بتر ز دیوپرستی است خود پرستیدن
(اعتصامی، قطعه ۱۰۵، ۱۳۷۱)

بررسی مضامین و آموزه‌های اخلاقی و دینی در اشعار پروین اعتصامی و ژاله قائم‌مقامی / ۱۵۱

چون بنایی است پست، خودبینی	که نه اش پایی و نه بام و در است
خوشتن را خیره بی نظیر مدان	مادر دهر را بسی پسر است
در تو برقی ز نور دانش نیست	همه باد بروت بی ثمر است

(اعتصامی، قطعه باد بروت، ۱۳۷۱)

۴-۴-۴. نکوهش بخل و کینه

توشه بخل میندوز که دود است غبار	سوزن کینه مپرتاز که خنجر گردد
---------------------------------	-------------------------------

(اعتصامی، قطعه علم، ۱۳۷۱)

۴-۴-۵. نکوهش ریا

طاعت بی صدق و صفا هیچ نیست	این همه جز روی و ریا هیچ نیست
----------------------------	-------------------------------

(اعتصامی، مثنوی زاهد خودبین، ۱۳۷۱)

روی و ریا را مکن آیین خویش	هر چه فساد است ز روی و ریاست
پای تو همواره به راه کج است	دست تو هر شام و سحر بر دعاست

(اعتصامی، قصیده‌ای عجب، ۱۳۷۱)

۴-۵. توصیه به صفات پسندیده و مطلوب

۴-۵-۱. قناعت و خرسندی

قناعت کن اگر در آرزوی گنج قارونی

گدای خویش باش از طالب ملک سلیمانی

(اعتصامی، قصیده آینه معنی، ۱۳۷۱)

اگر زین شهد کوتاه داری انگشت

نکوبد هیچ دستی بر سرت مشت

چه در کار و چه در کار آزمودن

نباید جز به خود محتاج بودن

(اعتصامی، مثنوی سعی و عمل، ۱۳۷۱)

اما قسم به نور حقیقت که جز خدای

کس در سیاه روزی من ذی اثر نبود

او قادری ست مطلق و بیچاره زن، عجوز

راضی به سرنوشت خود از بود و نبود

(قائم مقامی، ۱۳۷۴: ۳۹)

۴-۵-۲. راستی و حقیقت جویی

راه دور است بسی ملک حقیقت را

کوش کز پای نیفتی به بیابان

نشود کان حقیقت ز گهر خالی

بروای دوست گهر می طلب از کارش

ریم و سواس به صابون حقایق شوی

نبری فایده زین گازر و اشنانش

(اعتصامی، قصیده شیفته گیتی، ۱۳۷۱)

آن کوبه ره راست می زند گام

هر جا که برد رخت کامران است

بررسی مضامین و آموزه‌های اخلاقی و دینی در اشعار پروین اعتصامی و زاله قائم مقامی / ۱۵۳

(اعتصامی، قصیده چو سیمرغ، ۱۳۷۱)

ویران نشود قصر دل انگیز حقیقت	ما را به دروغی اگر آباد توان کرد
ای همدم دیرین من ای قاضی بی‌رحم	با داد ندانی که چه بیداد توان کرد

(قائم مقامی، ۱۳۷۴: ۸۴)

۴-۵-۳. بردباری

به دشواری ار دل شکیا کنی	بینی که سهل است و دشوار نیست
--------------------------	------------------------------

(اعتصامی، قطعه سرود خارکن، ۱۳۷۱)

اگر آرزوی کعبه بود در دل	چه شکایت کنی از خار مگیلانش
سزدار پر کند از درّ و گهر دامن	آن‌که اندیشه نبوده است ز عُمانش
آهن عمر تو شمشیر نخواهد شد	نبری تا به سوی کوره و سندانش

(اعتصامی، قصیده شیفته گیتی، ۱۳۷۱)

جنس زن را صبر از نان هست و از آئینه نیست	گو نباشد هیچکس، چون هست با ما آینه
--	------------------------------------

(قائم مقامی، ۱۳۷۳: ۴۰)

۴-۵-۴. پاکی و عفت

پاکی آموز به چشم و دل خود گر خواهی	که سراپای وجود تو مطهر گردد
------------------------------------	-----------------------------

(اعتصامی، قطعه علم، ۱۳۷۱)

فرشته زآن سبب ز کید دیو بی خبر است که اقتضای دل پاک، پاک انگاری است

(اعتصامی، قصیده در ره هستی، ۱۳۷۱)

پاکدامان باش و ز آزادی به جز عزت مخواه راه تاریکان مرو، ای زهره زهرای من

(قائم مقامی، ۱۳۷۴: ۱۸)

قید عفت، قید سنت، قید شرع و قید عرف زینت پای زن است، از بهر پای مرد نیست

(قائم مقامی، ۱۳۷۴: ۳۴)

۴-۵-۵. نکویی و نیکنامی

خوش آنکه نام نکویی به یادگار گذاشت که عمر بی ثمر نیک، عمر بی ثمری است

(اعتصامی، قطعه آتش دل، ۱۳۷۱)

جز گرد نکویی مگرد هرگز نیکی است که پاینده در جهان است

گر عمر گذاری به نیکنامی آن گاه تو را عمر جاودان است

(اعتصامی، قصیده چو سیمرغ، ۱۳۷۱)

نکویی نگر شو، نه زشتی تراش که بدبین نگردند بیمنش و ران

گرم عیب باشد، هنر نیز هست هنر بین شو، ای بهتر بهتران

(قائم مقامی، ۱۳۷۴: ۷۳)

۴-۵-۶. پند و اندرز

گر پند تلخ می دهمت، ترشرو مباش / تلخی به یاد آر که خاصیت دواست

(اعتصامی، قصیده گوینده)

تو ای خواهر نازنین توبه کن / که تهمت فروگیری از خواهران

فلک هشته بر دوش ما بارها / تو باری میفزای سنگی بر آن

(قائم‌مقامی، ۱۳۷۴: ۷۲)

۴-۵-۷. آزادی

چه سود صحبت شاهان چو نیست آزادی / چرا دهیم گرانمایه وقت را ارزان

(اعتصامی، قطعه سرنوشت، ۱۳۷۱)

گرچه آزادی ست، عکس بردگی در چشم من / مجمع آن هر دو ضد، اینک دل شیدای من

چیست آزادی؟ ندیدم، لیک میدانم که اوست / مرهمی راحت رسان بر زخم تن فرسای من

(قائم‌مقامی، ۱۳۷۴: ۱۳۲)

درست است که پروین و ژاله هر دو از آزادی سخن گفته اند، اما معنا و مقصود این دو از آزادی با هم یکسان نیست. در نگاه پروین، آزادی به معنی صاحب اختیار بودن و مهم تر از آن صاحب آزادی معنوی و درونی بودن است که معنای وسیعی داشته و این معنا، رنگ و بوی فلسفی و عمیق پیدا می کند

و به بیانی انسانی تر است. اما آزادی در نگاه ژاله، به جهت این که او اسیر یک زندگی زناشویی ناخواسته شده بود، بیش تر جنبه شخصی پیدا می کند. یعنی ژاله آزادی را در این می بیند که از این زندگی زناشویی اجباری و سخت رهایی پیدا کند.

۵. نتیجه گیری

پروین اعتصامی و ژاله قائم مقامی را باید دو چهره ماندگار زن، در ادبیات معاصر ایران دانست. این دو شاعر فرهیخته و متعهد، در دوره ای که اجازه رشد استعدادهای فکری و ادبی به زنان داده نمی شد، توانستند با پشتکار و فعالیت خویش و نیز حمایت بی دریغ پدران خود، وارد عرصه ادبیات گردند و عاطفه و احساسات زنانه خویش را در کالبد اشعار نغز و شیوا بدمند. اشعار پروین از نوع ادبیات تعلیمی است. هدف او در کل دیوان پند و اندرز و وصایای اخلاقی است. او سعی دارد در هر قالب و حتی بیت شعری نکته ای یا نصیحت اخلاقی بگنجانند. وجود برخی مضامین دینی و اخلاقی مشترک و نیز بهره گیری دو شاعر از آیات وحی در اشعارشان، و هم چنین وجود مرثیه های زیبا در رثای پدران، از جمله مضامین مشترک در اشعار پروین و ژاله است.

هر دوی آن ها ضمن التزام عملی به مسئله حجاب، زنان را به داشتن حجاب، پاکدامنی و دوری از هر گونه مظاهر بی بندوباری و برهنگی تشویق می کردند. همچنین هر دو شاعر، زنان را از استفاده فراوان از زینت های مادی بازداشته و آنان را به آراستگی به فضائل معنوی و اخلاق نیکو ترغیب می نمودند.

پروین و ژاله، با الهام از قرآن کریم و با به کارگیری واژگان و عبارات آن تلاش دارند تا اشعار خود را به زیور قرآن بیارایند و با این اشارات پشوانه هایی محکم برای سخنان خود بسازند و جلوه هایی روحانی بدان ها ببخشند. عاطفه مادری نیز که تجلی گاه احساسات زنانه است، به روشنی در اشعار دو سراینده دیده می شود.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. آرین‌پور، یحیی (۱۳۷۶)، از نیما تا روزگار ما، چاپ دوم، ج دوم، تهران: زوار.
۳. احمدی‌گیوی، حسن (۱۳۸۱)، دیوان پروین اعتصامی، چاپ ششم، تهران: قطره.
۴. اعتصامی، پروین (۱۳۷۱)، دیوان اشعار، دیباچه ملک الشعراء بهار، تدوین فریده دانایی، تهران: نگاه.
۵. ترابی، علی اکبر (۱۳۸۵)، جامعه‌شناسی ادبیات فارسی، چاپ پنجم، تهران: فروزش.
۶. خاتمی، احمد (۱۳۹۶)، نگاهی به ادبیات معاصر ایران، تهران: علمی.
۷. دانشگر، احمد (۱۳۸۷)، زندگینامه و دیوان پروین اعتصامی، چاپ چهارم، مشهد: حافظ‌نوین.
۸. دهباشی، علی (۱۳۸۳)، بر ساحل جزیره سرگردانی، تهران: سخن.
۹. زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۶۵)، دفتر ایام، تهران: علمی.
۱۰. قائم‌مقامی، ژاله (۱۳۷۴)، دیوان اشعار، تصحیح و تنظیم پولاد فرخزاد، تهران: ما.
۱۱. کفافی، محمدعبدالسلام (۱۳۸۲)، ادبیات تطبیقی، ترجمه حسین سیدی، مشهد: به نشر.
۱۲. ناظر، منوچهر (۱۳۶۰)، نگرشی بر شعر پروین اعتصامی، تهران: سروش.
۱۳. یوسفی، غلامحسین (۱۳۷۳)، چشمه روشن، تهران: علمی.